

عنوان مقاله: اثر حکمرانی خوب بر سطح فساد اقتصادی در کشورهای با سطح توسعه‌یافتگی متوسط

علی‌رضا دقتی اصلی^۱ - غلام‌رضا گرابی نژاد^۲ - سلین آقابگیان^۳

دریافت: ۱۳۹۱/۱/۱۵

پذیرش: ۱۳۹۱/۶/۱۸

مقاله برای اصلاح به مدت پنج ماه و ۱۲ روز نزد پدیدآوران بوده است.

چکیده:

عملکرد اقتصادی کشورها در طول زمان تا حد زیادی به محیط سیاسی، نهادی و قانونی آنها وابسته است. این نهادها و سیاست‌ها، مشخص‌کننده کیفیت حکمرانی در بین کشورها هستند. نقش حکمرانی و نهادها در افزایش توسعه و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه بسیار مهم است. در این بررسی به روش داده‌های ترکیبی، تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر سطح فساد برای نمونه ای ۲۴ کشوری از کشورهای با سطح توسعه‌یافتگی متوسط (شامل ایران) بین سال‌های ۲۰۰۸ - ۱۹۹۶ برآورد شده است. نتایج تخمین‌ها نشان داد برای کشورهایی با درجه توسعه‌یافتگی متوسط مایل به بالا ($HDI < 0.7$)، شاخص حاکمیت قانون بیشترین تأثیر را بر کاهش سطح فساد دارد؛ به طوری که اثر آن بر میزان فساد منفی و به شدت معنی‌دار است. در مورد کشورهایی با درجه توسعه‌یافتگی متوسط مایل به پایین ($HDI < 0.6$) نتایج نشان داد که در گروه کشورهای مورد بررسی، مولفه‌های حق اظهارنظر و پاسخگویی، اثربخشی دولت، کنترل فساد و قوانین و مقررات اضافی تأثیر قابل ملاحظه و مثبتی بر کاهش سطح فساد نداشته‌اند، بلکه نشانگر مشکلات کیفی در اجرای این سیاست‌ها بودند؛ اما در این کشورها ثبات سیاسی و حاکمیت قانون اثر معنی‌داری بر کاهش سطح فساد داشته است.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی خوب، فساد، توسعه‌یافتگی متوسط، داده‌های ترکیبی (پانل دیتا)، شاخص توسعه انسانی.

۱. استادیار رشته اقتصاد، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

۲. استادیار رشته اقتصاد، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)

۳. کارشناس ارشد رشته اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

اثر حکمرانی خوب بر سطح فساد اقتصادی در کشورهای با سطح توسعه‌یافتگی متوسط

مقدمه

فساد پدیده‌ای پیچیده در ابعاد گوناگون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که تمامی کشورها با نسبت‌های متفاوتی درگیر آن هستند، اما نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است و نتایج و پیامدهای آن بنا بر نوع سازمان سیاسی و سطح توسعه‌یافتگی تفاوت دارد. در سال‌های اخیر موضوع فساد به دلیل اثرات مخربی که بر توسعه اقتصادی کشورها داشته است، به یکی از موضوع‌های مهم و البته یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته تبدیل شده است. تضعیف امنیت اقتصادی، افزایش فعالیت‌های زیرزمینی، بی‌ثباتی در کشور، اختلال در سرمایه‌گذاری بلندمدت داخلی و خارجی، افزایش هزینه معاملات تجاری، انحراف استعدادهای اولویت‌های اقتصادی، به هدر رفتن منابع ملی و دشوار شدن رقابت‌پذیری، تنها بخشی از آثار زیان‌بار فساد به شمار می‌روند.

حکمرانی خوب با تعریف مدیریت عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومت‌داری، از عوامل مهم و موثر بر تهدید و کاهش حجم فساد در کشورهاست. شواهد جهانی گویای آن است که یک حکومت توانمند با نهادهای دولتی شایسته و شفاف، پیوند مستقیم با رشد درآمدها، افزایش ثروت ملی و دستاوردهای اجتماعی دارد. در کشورهایی که نهادهای دولتی کارآمد، درست‌کار و مبتنی بر شایسته‌سالاری هستند، قوانین و مقررات ساده و روشن‌اند، حاکمیت قانون به گونه‌ای منصفانه اعمال می‌شود، جامعه مدنی و رسانه‌های گروهی صدای مستقلی دارند که پاسخگویی دولت‌شان را افزایش می‌دهد، درآمدها، سرمایه‌گذاری و رشد افزایش می‌یابد و امید به زندگی طولانی‌تر می‌شود.

فساد یکی از شش مولفه‌ای است که با حکمرانی ارتباطی تنگاتنگ دارد. کنترل فساد که یکی از اهداف و وسایل حکمرانی خوب است، مستقیماً باعث حفاظت از حقوق مالکیت و آزادی‌های مدنی و استقلال قضایی شده، کیفیت زندگی مردم کشور را ارتقاء داده و در جهت تحقق حقوق بشر، پایداری سیاست‌های سالم اقتصادی و نهادی، توسعه سرمایه انسانی و ریشه‌کنی فقر پیش می‌رود.

مبانی نظری پژوهش حکمرانی خوب

پس از چند دهه سیر تحول اقتصاد توسعه و دلبستگی به دولت بزرگ و شرکت‌های دولتی (در دهه پنجاه و شصت میلادی) و سپس دفاع از دولت کوچک (در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی) و طرح این پرسش که "آیا دولت، خود بخشی از مشکل توسعه‌نیافتگی است یا اینکه راه‌حل این مشکل است"؛ اینک مباحث توسعه به سطح بالایی ارتقاء یافته و پرسش کنونی آن است که "به چه نوع دولت یا ترتیبات دولتی (روابط قدرت بین دولت و شهروندان) نیاز است تا به رفاه اقتصادی و اجتماعی رسید؟"

با اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، انتظار می‌رفت پارادایم توسعه بازارمحور موجب خارج ساختن دولت از صحنه فعالیت‌های اقتصادی، تخصیص بهینه منابع و تحقق رشد اقتصادی پایدار در کشورهای جهان و به خصوص در جوامع توسعه‌نیافته گردد، اما بر خلاف انتظار، نه تنها عملکرد اقتصادی این کشورها بهبود نیافت، بلکه آزادسازی تجارت، خصوصی‌سازی و گرایش گسترده به اقتصاد بازار، تبعات نامطلوبی را در این کشورها بر جای گذاشت که مهمترین آنها عبارت بودند: گسترش ناهربری؛ بروز بحران پولی و مالی؛ و کاهش رشد اقتصادی.

در اواسط دهه ۱۹۹۰ سیاست‌های تعدیل اقتصادی مورد انتقاد گسترده اقتصاد نهادگرا و در رأس آنها جوزف استیگلیتز^۱ قرار گرفت. وی نظرهای انتقادی خود را در قالب سیاست‌های اجماع پساواشنگتنی در سال ۱۹۹۸ مطرح ساخت. استیگلیتز معتقد بود تعامل سازنده دولت - بازار می‌تواند راه‌گشای موفقیت فرآیند اصلاحات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه باشد. در این میان آنچه از اهمیت اساسی برخوردار است علاوه بر توانمندسازی بخش خصوصی، اعمال اصلاحات گسترده در حوزه دولت است (میرزاابراهیمی، ۱۳۸۵).

در اجماع پساواشنگتنی، دولت و بازار دو نهاد مکمل هستند، نه دو نهاد رقیب. در این دوره بازار و دولت هر دو نهادی اجتماعی هستند که از نقایص و کاستی‌های مختلف رنج می‌برند و توسعه در گرو رفع نقایص و عیوب نهاد بازار و دولت است. در دوره‌های پیشین مسئله ابعاد دولت (بزرگی و کوچکی آن) مطرح بود، اما در این دوره مسئله کمیت جای خود را به کیفیت دولت داده است. در واقع دولت به‌عنوان نهاد اجتماعی نهادساز، باید با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، محیط مناسبی

1. Joseph E. Stiglitz

برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا سازد و از این رهگذر به‌عنوان دست یاری‌دهنده بازار موجبات رشد اقتصادی را فراهم سازد. تدارک موفقیت‌آمیز این نهادها اغلب تحت عنوان «حکمرانی خوب» مطرح می‌شود. حکمرانی خوب شامل ایجاد، حمایت و اجرای حقوق مالکیت بدون محدود شدن مبادلات بازار است. این حکمرانی برگرفته نظامی قانونی است که با بازار برای بهبود رقابت همکاری می‌کند و محیطی با ثبات برای فعالیت بازار ایجاد می‌کند. حکمرانی خوب همچنین به معنی نبود فساد است، چرا که فساد می‌تواند موجب تخریب اهداف سیاسی و از بین رفتن مشروعیت نهادهای عمومی شود که از بازار حمایت می‌کنند (World Bank, 2002).

حکمرانی در لغت به معنی «اعمال قدرت، نظام حکومتی، روش تنظیم قوانین و مقررات و فرآیند برقراری نظم در جامعه است و عموماً ترتیبات اداری لازم جهت ارتباط با شهروندان، نظارت بر فعالیت‌های آنان و چگونگی تنظیم امور اجتماع را شامل می‌شود». از این رو علاوه بر ساختارهای فیزیکی، چارچوب‌های نهادی ناظر بر عملکرد حکومت و شهروندان را نیز در بر می‌گیرد (مقداری، ۱۳۸۶).

سازمان‌های بین‌المللی مختلف تعاریف متعددی از حکمرانی خوب ارائه نموده‌اند: بانک جهانی «حکمرانی را به‌عنوان اقتدار بر مدیریت اقتصادی کشور و منافع اجتماعی آن از طریق سنت‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی به‌منظور تحقق رشد و توسعه تعریف می‌کند که مشتمل بر موارد زیر است: فرآیند انتخاب، نظارت و جایگزینی صاحبان قدرت؛ ظرفیت و توانایی دولت برای ادراه کارآمد منابع و تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح؛ احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را میسر می‌سازد. برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱ در سال ۱۹۹۷ با توسعه تعاریف بانک جهانی، حکمرانی را «اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری برای مدیریت امور عمومی یک کشور در همه سطوح» می‌داند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳). بنابراین «نظریه حکمرانی خوب» علاوه بر ارزش‌های اقتصادی صرف، مسایل قانونی، سیاسی و فرهنگی را شامل شده است. با توجه به اهدافی همچون رشد و توسعه اقتصادی، ارائه خدمات عمومی کارآمد و ایجاد فرصت‌های نوین از طریق مشارکت گسترده شهروندان در شکل‌گیری تصمیم‌ها و اجرای صحیح آنها، تعامل همه‌جانبه، پایدار و مستمر سه بعد بازار، دولت و جامعه مدنی را مد نظر قرار داده و جوانب متعددی را در برمی‌گیرد. از جمله: توجه ویژه به ایجاد پاسخگویی و شفافیت در نهاد دولت به‌عنوان نماینده عموم مردم؛ ایجاد حمایت و ضمانت اجرای حقوق

1. UNDP

مالکیت از سوی دستگاه قضایی مستقل و کارآمد؛ اظهار نظر و مشارکت نهادهای مدنی و فرآیند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی؛ آزادی سیاسی به‌ویژه اصلاحات مردم‌سالارانه و تشویق و تقویت جامعه مدنی؛ اتخاذ سیاست‌هایی به‌منظور حفاظت از منافع بلندمدت جامعه؛ انجام اصلاحات اقتصادی، نهادسازی و بهبود چارچوب‌های قانونی موجود با هدف تسهیل روند توسعه؛ و مشارکت مستمر بخش خصوصی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی.

بدیهی است پیش از طرح چارچوب نظری پیرامون ارتباط میان مولفه‌های حکمرانی خوب و فساد، باید به گونه‌ای کیفیت حکمرانی را سنجید؛ بنابراین مسئله اصلی دستیابی به شاخص‌ها و معیارهای کمی مناسب برای محاسبه کیفیت حکمرانی است، به گونه‌ای که بتوان با استفاده از آن به بررسی نحوه اثرگذاری مولفه‌های حکمرانی خوب بر سطح فساد پرداخت.

سه تن از پژوهشگران بانک جهانی دانیل کافمن، آرت کری و پابلو زویدو لوبتون^۱، یافته‌های مؤسسه‌های مختلف بین‌المللی همچون واحد اطلاعات اقتصادی^۲، گروه بین‌المللی ریسک کشور^۳، بنیاد هریتیج^۴ و خانه آزادی^۵ پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی و جدیدی تحت عنوان «شاخص‌های حکمرانی» معرفی نموده‌اند (حسین‌زاده‌بحرینی، ۱۳۸۳).

این پژوهشگران کار خود را با این فرضیه آغاز کردند که «چگونه رسوم و نهادهایی که از مجرای آنها حاکمیت در یک کشور اعمال می‌شود، در رشد و توسعه آن کشور موثر» هستند. (Kaufman *et al.* (2009). این رسوم و نهادها را حکمرانی نامیده و ابعاد مختلف آن را با معرفی شش شاخص جدید مورد بررسی قرار دادند. شاخص‌های مورد نظر عبارتند از: حق اظهار نظر و پاسخگویی^۶؛ ثبات سیاسی^۷؛ اثربخشی دولت^۸ (کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله)؛ کیفیت تنظیم قوانین^۹ (مقررات اضافی و هزینه‌های آن)؛ حاکمیت قانون^{۱۰}؛ و کنترل فساد^{۱۱}.

1. Daniel Kufman, Art Kraay, Pablo Zoido Lobaton
2. Economist Intelligence Unit (EIU)
3. International Country Risk Group (ICRG)
4. Heritage Foundation
5. Freedom House
6. Voice & Accountability
7. Political Stability
8. Government Effectiveness
9. Regulatory Quality
10. Rule of Law
11. Control of Corruption



از دهه ۱۹۵۰ مباحث نظری فساد شکل جدی به خود گرفت، اما از دهه ۱۹۷۰ بررسی‌های نظری درباره فساد ارایه شد و از آن زمان به بعد یکی از اصلی‌ترین مباحث در زمینه دولت، حکمرانی و توسعه بود. فساد تحت عنوان پدیده‌ای اجتماعی و فراگیر ممکن است در عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی بروز یابد و چهره‌ای خاص به خود گیرد، اما در تمام انواع فساد، تعدمی بودن، غیرقانونی بودن و جایگزینی منافع خصوصی و شخصی به جای منافع عمومی و دولتی مشاهده می‌شود. فراگیری و گستردگی فساد در دهه‌های اخیر موانع جدی را برای توسعه و مردم‌سالاری و برقراری حکمرانی خوب به وجود آورده است.

فساد در ادبیات لاتین از فعل لاتین «رومپیرا» به معنای شکستن و آنچه که شکسته و نقض می‌شود، گرفته شده است و می‌تواند که شیوه رفتار اخلاقی یا اجتماعی و یا مقررات اداری باشد. در حقیقت با تحقق فساد چیزی می‌شکند یا نقض می‌شود. فساد در معنای وسیع آن عبارت از استفاده نادرست از اختیارات عطا شده در جهت منافع شخصی است. در زمینه فساد تعاریف مختلفی بر مبنای قانون، افکار عمومی و فرآیند تصمیم‌گیری ارایه شده است. به دلیل پیچیدگی‌ها در تعریف فساد، در سال ۲۰۰۲ زمانی که مذاکرات برای نوشتن کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد آغاز شد، مقرر گردید تعریفی از فساد ارایه نشود و تنها در نهایت فهرستی از مصادیق فساد در متن کنوانسیون گنجانده شود.

بر اساس مبانی مختلف می‌توان طبقه‌بندی‌های متعددی از فساد ارایه داد که برخی از آنها عبارتند از: فساد سوداگرانه و غاصبانه، فساد آشنا پرورانه، فساد خودزا، فساد حمایت‌گرایانه، فساد مشخص و نهادی، و فساد سنتی و مدرن. آنچه در سال‌های اخیر از آن تحت عنوان فساد یاد شده است، شامل انواع فساد اعم از اداری، سیاسی و مالی (اقتصادی) می‌شود. در مطالعه حاضر مبنای بررسی و تحلیل پدیده فساد به صورت تقسیم‌بندی زیر است:

۱. فساد اداری عبارت از استفاده غیرقانونی از اختیارات اداری و دولتی برای نفع شخصی است (حبیبی، ۱۳۷۵)؛
۲. فساد سیاسی، سوءاستفاده رهبران سیاسی از قدرت دولتی برای کسب منافع خصوصی و شخصی با هدف افزایش قدرت و ثروت است؛
۳. فساد اقتصادی نقض قوانین موجود برای تأمین منافع و سود شخصی است. این نوع فساد



بیشتر از رابطه متقابل دولت و اقتصاد بازار ناشی شده و در مواقعی که خود دولت بخشی از فعالیت اقتصاد بازار را درون خود داشته باشد، نمود فراوان تری می‌یابد. بدین ترتیب یکی از ریشه‌های فساد مالی، اقتصاد دولتی و از بالا هدایت شده است (قربانی و صدیق‌محمدی، ۱۳۸۷)

از مصادیق فساد مالی می‌توان به رشوه^۱، اختلاس^۲، قاچاق انسان^۳، پول‌شویی^۴ و تبانی در معاملات دولتی اشاره نمود. فساد مالی در هر کشور می‌تواند بر حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تأثیرگذار باشد. برخی از این اثرات عبارتند از: تضعیف امنیت اقتصادی؛ بی‌ثباتی در کشور؛ افزایش فعالیت‌های زیرزمینی؛ اختلال در سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت داخلی و خارجی؛ انحراف اولویت‌ها؛ تضعیف یا انحراف استعدادها؛ افزایش هزینه معاملات تجاری؛ تشدید فقر و تأثیر بر فقرا؛ نارضایتی عمومی؛ تضعیف حکومت؛ و رواج فساد مالی سازمان‌یافته.

در دنیا شاخص‌های مختلفی برای سنجش فساد اقتصادی با استفاده از مبانی متفاوت، محاسبه و تعریف شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: شاخص درک یا تصور از فساد^۵؛ شاخص نسبت رشوه^۶؛ و شاخص کسب و کار بین‌الملل^۷.

از این میان شاخص درک یا تصور از فساد یکی از شاخص‌های رایج و پذیرفته شده در مطالعه‌ها و پژوهش‌های مربوط به فساد اقتصادی بوده و از جامعیت بالایی برخوردار است (Corruption Perception Index, 2011). در این شاخص، میزان پرداخت و دریافت رشوه، میزان ارتکاب به اختلاس و جرایم مشابه از سوی مقامات سیاسی و اداری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. شاخص مذکور در طول مقیاس صفر تا ده رتبه‌بندی شده است. بر پایه این رتبه‌بندی، پایه ده به کشورهای مربوط می‌شود که در آن فساد وجود ندارد و نمره صفر به کشوری مربوط است که دارای بیشترین میزان فساد است (قربانی و صدیق‌محمدی، ۱۳۸۷).

حکمرانی خوب و فساد

رسیدن به حکمرانی خوب موانع گسترده‌ای دارد و یکی از عمده‌ترین موانع آن «فساد» است. فساد، گذشته از آنکه از نظر اخلاقی ناپسند است، به علت آنکه سبب بروز بسیاری از ناکارآمدی‌ها

1. Bribery
2. Embezzlement
3. Human Trafficking
4. Money Laundering
5. Corruption Perception Index (CPI)
6. Bribe Ratio (BR)
7. Business International (BI)

و دشواری‌ها برای تحول و توسعه اقتصادی می‌شود، به کانون توجه بسیاری از اقتصاددانان تبدیل شده است.

World Bank (2002) فساد را چنین تعریف کرده است: «فساد تعریف محدودتر حکمرانی بد است، یعنی سوءاستفاده از قدرت یا امکانات عمومی در جهت منافع خصوصی. محیط با حکمرانی بد، انگیزه و فرصت‌های بیشتری برای وقوع فساد فراهم می‌سازد». حکمرانی بد می‌تواند باعث کاهش نرخ رشد درآمدی و سرمایه انسانی شود و سرعت به پایان رسیدن منابع طبیعی را افزایش دهد. به علاوه، در حکمرانی بد مجموعه‌ای از اختلالات در سیاست‌های اقتصادی و نهادی وجود دارد که بهره‌وری عوامل تولید، رشد اقتصادی و ریشه‌کنی فقر را کند می‌کند.

مجموعه پژوهش‌های نظری و تجربی درباره اثرات اقتصادی فساد نشان می‌دهد که:
 - فساد به افزایش هزینه‌های معاملاتی و کاهش امکان پیش‌بینی‌های اقتصادی منجر می‌شود و مانع از توسعه پایدار می‌شود.

- فساد موجب عدم کارایی در اقتصاد می‌شود. سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را مختل می‌کند و بر ارزیابی سرمایه‌گذاران از سود نسبی سرمایه‌گذاری در برخی حوزه‌ها تأثیر دارد. قیمت نسبی تولید کالا و خدمات با محاسبه هزینه‌های فساد بالا می‌رود و از این رو چشم‌انداز سرمایه‌گذاری در عرصه‌هایی که تحت تأثیر فساد است، نامناسب می‌شود.

- فساد توانایی کشورها برای افزایش درآمد را تضعیف می‌کند و توانایی جامعه را برای ارایه کالاهای ضروری عمومی و حاکمیت قانون کاهش می‌دهد.

- فساد منجر به هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده بر منابع انسانی، کمرنگ شدن فضایل اخلاقی و ایجاد ارزش‌های منفی در جامعه می‌شود.

- فساد مانع از رشد رقابت و خنثی شدن تلاش‌ها در جهت کاهش فقر و تبعیض اجتماعی می‌شود.

- فساد منابع ملی را از هدف خود منحرف می‌سازد و این منابع نیز نمی‌توانند کمک چندانی به رشد اقتصادی کشور کنند.

- فساد سبب توزیع ناعادلانه و نامناسب درآمدها و منابع در جامعه می‌شود.

- فساد سبب می‌شود که استعدادهای کارآفرینی به جای قرار گرفتن در مسیر خلاقیت تولید، به سوی رانت‌جویی سوق یابد. در صورتی که کارآفرینان تصور کنند در طول زمان برای رسیدن به سوددهی مجبورند هزینه‌های ناشی از فساد را تحمل کنند، در سرمایه‌گذاری تردید خواهند کرد. فساد سبب پایین آمدن کیفیت خدمات در بخش‌های عمومی نظیر آموزش و بهداشت می‌شود

و از آن جهت که مانعی در برابر قدرت توسعه‌ای دولت‌هاست، سبب می‌شود خدمات‌دهی دولت کاهش یافته و به این ترتیب، مشروعیت دولت نیز کاهش می‌یابد.

با توجه به اثرات اقتصادی فساد و تقویت این اثرات با اعمال حکمرانی بد، لازم است جهت توسعه و رشد اقتصادی مولفه‌های حکمرانی خوب مورد توجه سیاست‌گذاران، عاملان اقتصادی و حکمرانان قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

Ahrend (2002)، در پژوهش خود تحت عنوان «سرمایه انسانی و فساد» به تأثیر آموزش بر فساد اشاره می‌کند. وی معتقد است فساد به ظرفیت‌های جامعه مدنی و نظارت مقامات دولتی بستگی دارد. اگر این ظرفیت‌ها به خوبی توسعه‌یافته باشند، آموزش و پرورش فساد را کاهش می‌دهد، درحالی‌که اگر نظارت مدنی کم باشد، ممکن است فساد بالاتر نتیجه گردد. همچنین شواهد تجربی این پژوهشگر به رابطه مثبت آزادی مطبوعات و فساد تأکید دارد. وی پیشنهاد می‌کند تقویت آزادی مطبوعات باید در رأس اولویت‌های مبارزه با فساد قرار گیرد.

Billger & Goel (2009)، طی مطالعه مقطعی ۱۰۰ کشور نشان دادند میان فاسدترین کشورها، اندازه دولت (بزرگی آن) و آزادی بیشتر اقتصادی تأثیری بر کاهش فساد نداشته، اما وجود دموکراسی بیشتر باعث کاهش فساد می‌شود. این پژوهشگران معتقدند باید در برخی از سیاست‌های کنترل فساد کنونی تجدیدنظر گردد.

Montinola & Jackman (2002)، در پژوهش خود تحت عنوان «منابع فساد: مطالعه مقطعی کشورها» نشان دادند رقابت سیاسی بر میزان فساد تأثیرگذار است، اما این اثر غیرخطی است. فساد به طور معمول در کشورهای دیکتاتورمحور نسبت به کشورهایی که تا حدودی دموکراتیک‌اند کمتر است. این پژوهشگران در عین احترام به رابطه رقابت اقتصادی و فساد به این نتیجه رسیدند که اندازه دولت به‌طور سیستماتیک فساد را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، اما عضویت در اوپک بر فساد تأثیرگذار است. در نهایت فساد در کشورهایی با درآمد پایین در بین کارکنان بخش دولتی فراگیرتر است.

Lewis (2006)، در پژوهش «حکمرانی و فساد در سیستم بهداشت عمومی»، فساد را یکی از عوامل نارسایی مراقبت‌های بهداشتی در کشورهای در حال توسعه معرفی می‌کند و بر نقش حکمرانی خوب در توزیع مراقبت‌های بهداشتی و همچنین سرمایه‌گذاری در بهداشت تأکید می‌کند. همچنین مطالعه Lewis & Gunila (2009)، نشان می‌دهد حکمرانی خوب هسته مرکزی بهبود

عملکرد مراقبت‌های بهداشتی با کارایی بالاست. بر اساس نتیجه‌گیری این پژوهشگران حکمرانی خوب راهی برای بهبود کارایی بخش بهداشت و درمان است.

(Evrensel 2010) در مطالعه «فساد، رشد و نوسانات رشد» نشان داد از میان مولفه‌های حکمرانی، فقط کنترل فساد و اثربخشی دولت بر نرخ رشد متوسط تأثیر دارند. با توجه به ارتباط میان نوسانات و مولفه‌های حکمرانی، کنترل بیشتر فساد، اثربخشی دولت و هزینه‌های آن باعث کاهش نوسانات رشد خواهد شد.

(Sewornu 2010) در پژوهش «نقش حکمرانی خوب در تحقق حقوق دسترسی زنان به زمین»، مشکل عدم تحقق حقوق زنان در دسترسی به زمین را یک چالش عمیق و گسترده می‌داند که ریشه در سیستم اقتصادی و سیاسی دارد. وی پیروی از اصول حکمرانی خوب را برای بهبود حق دسترسی زنان به زمین، راه‌کار این مشکل معرفی می‌کند.

برادران شرکای و ملک‌الساداتی (۱۳۸۶)، در مطالعه «حکمرانی خوب؛ کلید توسعه آسیای جنوب‌غربی» این فرضیه را تأیید می‌کنند که بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب اثر مثبتی بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه دارد و دو سازوکار رقابت و پاسخگویی را به‌عنوان مکانیزم‌های موثر در بهبود حکمرانی منطقه معرفی می‌کنند.

صباغ‌کرمانی و باسحا (۱۳۸۸)، در مطالعه «نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت: مطالعه مودی بخش بهداشت» نشان دادند، افزایش هزینه‌های آموزشی و بهداشتی دولت، همواره بر شاخص‌های بهداشتی و آموزشی موثر نبوده است، اما در کشورهایی که از وضعیت حکمرانی بهتری برخوردار بوده‌اند این افزایش هزینه، تأثیر بیشتری بر شاخص‌های بهداشتی و آموزشی داشته است. به عبارت دیگر بهبود شاخص‌های حکمرانی، عملکرد هزینه‌های بخش آموزش و بهداشت را افزایش داده است.

عیسی‌زاده و احمدزاده (۱۳۸۸)، در مطالعه «بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی» نشان دادند که اثر نهادهای عمومی چون حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، کنترل فساد و حاکمیت بروکراسی و اثربخشی دولت بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار بوده و اثر شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی یا همان شاخص دموکراسی مثبت، غیرمعنی‌دار است. همچنین، هر چه در یک کشور حکمرانی خوب برقرار باشد، رشد اقتصادی در سطح بالاتری اتفاق می‌افتد.

مقداری (۱۳۸۶)، در مطالعه «بررسی اثر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی ایران (طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۶۳)» نشان دادند که تمام مولفه‌های سنجش حکمرانی به جزء مولفه حق

اظهار نظر و پاسخگویی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر تولید سرانه نیروی کار در بلندمدت داشته است و از بین این مولفه‌ها، اثر شاخص کارآمدی و اثربخشی دولت نسبت به سایر موارد مورد مطالعه بیشتر است. همچنین شاخص کیفیت حکمرانی که از تجمیع مولفه‌های شش‌گانه حکمرانی خوب به‌دست می‌آید، در بلندمدت و کوتاه‌مدت تأثیر کاملاً معنی‌دار و مثبتی بر رشد اقتصادی ایران داشته است. جاسی و نفری (۱۳۸۸)، با به‌کارگیری منطق فازی و طرح سیستم استنتاج فازی، این امکان را فراهم کرده‌اند که الگوی حکمرانی خوب در شرایط واقعی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این سیستم به گونه‌ای ساخته شده است که با ایجاد تغییر در هر یک از متغیرهای الگو، بتوان میزان تأثیر آن بر سایر متغیرها و در نهایت بر وضعیت حکمرانی را مشاهده نمود. به کمک این ابزار، پژوهشگران، مدیران و دولت‌مردان قادر خواهند بود وضعیت حکمرانی کشور را در اوضاع و احوال کنونی شناسایی نموده و از طریق تغییر در مولفه‌هایی که از اهمیت بیشتری برخوردارند، آینده را تحلیل و در راستای بهبود آن تلاش نمایند.

زارع (۱۳۸۲)، در مطالعه «بررسی رابطه بین فساد مالی و اداری با میزان سرمایه‌گذاری» نشان داد که متغیرهای رشوه، پورسانت و پیچیدگی مقررات بر کاهش بهره‌وری سرمایه‌گذاری عمومی تأثیر زیادی دارد و مبارزه با فساد مالی و اداری تأثیری بر سرمایه‌گذاری عمومی ندارد. همچنین فساد مالی و اداری نقشی در افزایش کارایی نظام اداری نداشته و فساد مالی و اداری از طریق کاهش مشروعیت سیاسی سرمایه‌گذاری عمومی را کاهش می‌دهد.

حقانی (۱۳۷۹)، در مطالعه «بررسی علل اقتصادی فساد مالی در ایران» نشان داد بین متغیرهای اقتصادی و فساد مالی روابط متقابلی وجود دارد. از یک‌طرف فساد مالی بر رشد و سرمایه‌گذاری خصوصی اثر منفی دارد و از طرف دیگر متغیرهایی همچون بودجه دولت، تسهیلات اعطایی بانک‌ها و غیره بر فساد مالی تأثیر مستقیم دارند. بر اساس نتایج پژوهش، متغیرهای شهرنشینی، تعداد واحدهای صنعتی و بودجه استان بر فساد مالی اثر مستقیم و تعداد کارکنان دولت اثر منفی دارد، اما نرخ تورم بر فساد مالی اثر معنی‌داری نداشته است.

زیادلو (۱۳۸۴)، در مطالعه «بررسی عوامل موثر بروز فساد اداری» نشان داد اندازه سازمان‌ها با بروز فساد اداری ارتباط داشته و فناوری سازمان‌ها در هر دو بخش دولتی و غیردولتی بر بروز فساد اداری موثر هستند. در بخش دولتی پیچیدگی و در بخش غیردولتی اهداف و راهبردها، علاوه بر فناوری از عوامل موثر در بروز فساد اداری به شمار می‌روند.

صادقی و همکاران (۱۳۸۷)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی اثرات تمرکززدایی مالی بر کنترل فساد» نشان دادند که افزایش تمرکززدایی در ابعاد مختلف، از طریق انتقال قدرت به

سطوح پایین‌تر دولت برای کاهش قدرت انحصاری دولت مرکزی، اصلاحات در بخش عمومی، مقررات‌زدایی و شفافیت قوانین و مقررات، شرایطی را مهیا می‌کند که طی آن مقامات دولتی امکان تبانی و فساد را با نگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی نخواهند داشت.

حسینی (۱۳۸۵)، در «فساد و آزادسازی اقتصادی در منطقه خاورمیانه»، برای این منطقه نشان داد بین آزادسازی اقتصادی و فساد رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. همچنین رابطه میان فساد و اجزای شاخص آزادسازی اقتصادی نیز منفی است.

عرب‌مازازی (۱۳۸۰)، در پژوهش «اقتصاد سیاه در ایران» نشان داد که تغییرات درآمد سرانه، شاخص باز بودن اقتصاد، بار مالیاتی و رشد قیمت کالاها، مصرفی، به‌ترتیب مهمترین عوامل تعیین‌کننده تحولات اندازه نسبی اقتصاد سیاه در ایران طی دوره مورد بررسی بوده‌اند و افزایش هر یک از آنها بر حجم نسبی تولید غیرقانونی و پنهان کشور افزوده است.

نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده نشان داد، تقویت مولفه‌های حکمرانی خوب مانند آزادی‌های مدنی، دموکراسی و غیره همچنین تعامل سازنده بازار، دولت و جامعه مدنی باعث اثربخشی دولت، بهبود کارایی بخش‌های اقتصادی مانند بهداشت که از زیرساخت‌های اصلی توسعه‌یافته شده، و رشد اقتصادی و کاهش فساد را به همراه داشته است.

روش پژوهش

مهمترین پرسش در پژوهش حاضر آن است که «آیا حکمرانی خوب بنابر آنچه در شاخص‌های شش‌گانه بانک جهانی اندازه‌گیری می‌شود، می‌تواند بر سطح فساد در کشورهایی با سطح توسعه‌یافتگی متوسط ($0.6 < HDI < 0.8$) موثر باشد؟» و اینکه «کدامیک از شاخص‌های حکمرانی خوب بیشترین تأثیر را بر سطح فساد در این دسته از کشورها داشته است؟». جهت بررسی اثر مولفه‌های حکمرانی خوب بر سطح فساد و با توجه به ادبیات موضوع، انتخابی برای تخمین سطح فساد^۱ به صورت زیر است:

$$Cor_{it} = a_{it} + \beta_1 Voi_{it} + \beta_2 Pol_{it} + \beta_3 Gov_{it} + \beta_4 Re g_{it} + \beta_5 Rul_{it} + \beta_6 Crl_{it} + U_{it} \quad (1)$$

منابع اطلاعاتی و تعریف هر یک از داده‌های معادله (۱) در جدول ۱ خلاصه شده است.

جدول ۱: معرفی متغیرهای الگو و تعریف آنها

متغیرها	تعریف	منبع
Cor	شاخص CPI: درک یا تصور از فساد که به فساد در بخش عمومی (شامل دولت) متمرکز شده و شاخص ترکیبی بر مبنای داده‌هایی در ارتباط با فساد (پرداخت و دریافت رشوه، ارتکاب به اختلاس و جرایم مشابه از سوی مقامات سیاسی و اداری) است، محاسبه می‌شود.	سازمان شفافیت بین‌المللی
Voi	شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی: بیانگر آزادی‌های مدنی، حقوق سیاسی، مطبوعات آزاد، عدالت سیستم قانونی و غیره است.	بانک جهانی: Kaufman, 2009
Pol	شاخص ثبات سیاسی: بیانگر درگیری‌های نظامی، آشوب‌های اجتماعی، تنش‌های قومی، تهدیدهای تروریستی و غیره است.	بانک جهانی: Kaufman, 2009
Gov	شاخص اثربخشی دولت: بیانگر مقررات دست و پاگیر و بروکراسی، از بین بردن زیرساخت‌های سیاسی، دولتی و غیره است.	بانک جهانی: Kaufman, 2009
Reg	شاخص کیفیت قوانین و مقررات: بیانگر میزان مداخله دولت در اقتصاد، سیاست تجاری، محدودیت‌های سرمایه و غیره است.	بانک جهانی: Kaufman, 2009
Rul	شاخص حاکمیت قانون: بیانگر تعهد به قراردادها، حقوق مالکیت، دزدی و جنایت و غیره است.	بانک جهانی: Kaufman, 2009
CrI	شاخص کنترل فساد: بیانگر فساد میان بخش دولتی و خصوصی، میزان رشوه و غیره است.	بانک جهانی: Kaufman, 2009

منبع: Transparency International Organization, 2011; World Bank, 2002

در پژوهش حاضر با توجه به ادبیات موضوع مورد نظر، سطح فساد تابعی از شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب است که در ادامه به تفصیل در خصوص آنها توضیح داده می‌شود:

حق اظهارنظر و پاسخگویی: «حق اظهارنظر» (صدا) و «پاسخگویی» اغلب چیزهای متفاوتی نزد افراد مختلف، در متن‌های مختلف یا فرهنگ‌های مختلف معنی می‌دهد. برای مثال، از دیدگاه حقوق بشر، صدا و پاسخگویی، بازگشت به رابطه میان نگهدارنده حقوق (شهروندان) و حاملان این مأموریت (دولت) است. در زمینه ارزیابی حکمرانی، «حق اظهارنظر و پاسخگویی» یک شاخص کلیدی است که دامنه‌ای از عوامل، از آزادی بیان و احترام به آزادی‌های شهروندی تا انتخابات آزاد و عادلانه و حاکمیت قانون را در برمی‌گیرد. رابطه میان حق اظهارنظر و پاسخگویی از بحث‌های محوری در واقع‌گرایی حاکمیت است. «چگونه حکمرانی خوب در عمل می‌تواند خود را نشان دهد؟» ارتباط صدا و پاسخگویی تنها زمانی می‌تواند معنی‌دار گردد که شهروندان دانش

و قدرت تقاضا داشته و کسانی که در قدرت هستند، ظرفیت و تمایل پاسخگویی را داشته باشند (Overseas Development Institute, 2007).

ثبات سیاسی: به طور کلی فقدان ثبات سیاسی با ایجاد مخاطره فزاینده، سرمایه‌گذاری را محدود ساخته و به خروج سرمایه و فرار مغزها می‌انجامد. همچنین ناآرامی‌های سیاسی، برقراری نظام حقوق مالکیت را مختل می‌کند، درحالی‌که برقراری این حقوق، ریسک منافع حاصل از مبادلات غیرشخصی^۱ را میسر می‌سازد. از این رو بی‌ثباتی سیاسی، با کاهش عرضه نیروی کار و به‌ویژه نیروی کار متخصص و سرمایه‌های فیزیکی، بر رشد و توسعه اقتصادی اثر منفی دارد (دوهان، ۱۳۷۶).

اثربخشی دولت: شاخص کلی اثربخشی دولت، قضاوت‌ها و دریافت‌های ذهنی را که نسبت به مقولات زیر وجود دارد با یکدیگر ترکیب می‌کند و شامل: کیفیت نظام اداری؛ صلاحیت و شایستگی کارگزاران؛ استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی؛ و کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی است. **کیفیت تنظیم قوانین:** از جمله مهمترین نشانه‌های دولت توانمند و کارآمد، توانایی‌اش در تهیه و تدارک قوانین و قواعدی است که بازارها را تقویت می‌کند و به آنها اجازه فعالیت می‌دهد. اگرچه ترتیبات خصوصی و غیررسمی می‌توانند به‌عنوان مکمل حقوق مالکیت و قراردادی رسمی باشند، اما تنها می‌توانند توسعه بازار را سبب گردند. در نتیجه وظیفه و نقش دولت‌ها به مراتب بیشتر و مهم‌تر است. دولت‌ها با تنظیم قوانین و مقررات مناسب می‌توانند به کاهش هزینه‌های مبادلاتی و توسعه پایدار بازار کمک نمایند.

حاکمیت قانون: اساساً حاکمیت قانون در جامعه‌ای حضور پیدا می‌کند و استمرار می‌یابد که در آن مجموعه‌ای شناخته شده از «حقوق» و «حدود» برای تمامی آحاد جامعه اعم از دولت‌مردان و مردم عادی، وجود داشته و مورد احترام واقع گردد. در حقیقت «حقوق متقابل حکومت و مردم» و التزام هر دو طرف به رعایت این حقوق است که ویژگی «حاکمیت قانون» در جامعه را می‌سازد. متقابل بودن این حقوق بدان جهت است که حقوق هر یک از طرفین برای دیگری ایجاد محدودیت می‌کند.

از منظر دیگر حاکمیت قانون در معنای کاملاً پیوسته استعمال می‌شود. نخستین معنی، احترام و اعتماد عملی دولت و شهروندان به هنجارهایی است که روابط بین آنها را تنظیم می‌کند و معنی دوم عبارت است از برقراری موازین و ویژگی‌های دولت قانون‌مند و مولفه‌هایی مانند «قابل پیش‌بینی بودن نتایج داورى‌ها»، «میزان اجراپذیری قراردادها و تعهدات» و «میزان وقوع جرایم» را شامل می‌شود.

کنترل فساد: شاخص کلی «کنترل فساد»، ذهنیت مردم و دیگر گروه‌های هم سود کارآفرینان و سرمایه‌گذاران خارجی) را نسبت به پدیده فساد در کشور اندازه‌گیری می‌کند. در هنگام ارتکاب فساد دو طرف مشارکت دارند. یک‌طرف عبارت است از شهروند یا شرکت خصوصی (متقاضی فساد) و طرف دیگر کارگزار دولتی (عامل فساد). در این وضعیت فساد زمانی رخ می‌دهد که متقاضی و عامل از توجه به قانونی که برای تنظیم رابطه میان آنها وضع شده، از تمکین در برابر آن سر باز زنند. از این‌رو کنترل فساد، برنامه‌ای چندوجهی بوده که متقاضیان و عاملین فساد را شامل می‌گردد.

کشورهای نمونه، الگوی انتخاب آنها و قلمرو زمانی

کشورهای منتخب در این مقاله مشتمل بر ۲۴ کشور هستند که در دو دسته طبقه‌بندی شده و عبارتند از:

- کشورهایی با درجه توسعه‌یافتگی متوسط مایل به بالا: ارمنستان، آذربایجان، تایلند، ایران، چین، اردن، فیلیپین، اندونزی، بولیوی، ویتنام، گواتمالا، و مصر.

- کشورهایی با درجه توسعه‌یافتگی متوسط مایل به پایین: نیکاراگوئه، بوتسوانا، نامیبیا، آفریقای جنوبی، هند، پاکستان، کنیا، تانزانیا، غنا، کامرون، اوگاندا، و نیجریه.

گزینش این کشورها مبتنی بر دو مرحله بوده است. در گام نخست از میان کشورهای جهان که آمار شاخص توسعه انسانی^۱ آنها توسط برنامه توسعه سازمان ملل^۲ منتشر شده است (۱۸۲ کشور)، کشورهایی با مشخصات $0/8 < HDI < 0/6$ انتخاب شدند (Human Development Index, 2007). در گام دوم، از میان کشورهای با سطح توسعه‌یافتگی متوسط به‌طور تصادفی و نیز بر اساس اینکه داده‌های آماری مربوط به متغیرهای پژوهش در مورد آنها در دسترس باشد، ۲۴ کشور برگزیده شدند. این ۲۴ کشور خود به دو دسته با مشخصات $0/8 < HDI < 0/7$ و $0/7 < HDI < 0/6$ تقسیم گشتند.

دوره زمانی مورد بررسی در پژوهش حاضر با توجه به داده‌های مربوط به شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب انتخاب شد. شاخص‌های مورد نظر برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ و برای ۱۹۳ کشور ارایه گردید. این پروژه به طور دو سالانه در سال‌های ۱۹۹۸، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۲ نیز تکرار گردید، اما از سال ۲۰۰۲ بانک جهانی اقدام به گردآوری سالیانه شاخص‌های مزبور نمود، به طوری که اطلاعات

1. Human Development Index
2. UNDP

مربوط به سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۳ نیز در حال حاضر گردآوری شده و موجود است. بنابراین این پژوهش برای دوره زمانی ۲۰۰۸-۱۹۹۶ بررسی خواهد شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها برآورد مدل

در ابتدا جهت مشخص نمودن روش مناسب تخمین برای هر دو گروه از کشورها آزمون‌های تشخیص F مقید و هاسمن انجام شد. در محاسبه‌های انجام شده توسط نرم‌افزار Eviews، مقدار آماره F به دست آمده برای هر دو گروه از کشورها از مقدار جدولی آن بزرگ‌تر بوده و در نتیجه روش تخمین ترکیبی^۱ رد می‌شود. برای تعیین روش تخمین اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شد. نتایج آزمون هاسمن برای هر دو گروه نشان داد که مقدار این آماره از مقدار جدولی آن کوچک‌تر بوده، بنابراین فرضیه H_0 رد نشده و روش تخمین اثرات ثابت گزینه مناسب است. نتایج تخمین مدل برای هر دو گروه از کشورها در دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۸ و بر اساس روش تخمین اثرات ثابت^۲ در جداول ۲ و ۳ موجود است.

جدول ۲: نتایج حاصل از برآورد مدل برای کشورهای با درجه توسعه یافتگی متوسط مایل به بالا

R ²	Crl	Rul*	Reg	Gov	Pol	Voi	عرض از مبدا*
۰/۹۷۵	مقادیر مختلف برای کشورها	-۰/۶۸ (-۰/۱۷۵)	مقادیر مختلف برای کشورها	مقادیر مختلف برای کشورها	مقادیر مختلف برای کشورها	مقادیر مختلف برای کشورها	۲/۹۰۴ (۶/۴۰۹)

* مقادیر داخل پرانتز آماره t را نشان می‌دهند.

لازم به ذکر است قدرت توضیح‌دهندگی مدل ۰/۹۵۷ بوده و دوربین واتسون آن ۲/۲۶۵ است که نشان‌دهنده عدم همبستگی متغیرهای توضیحی مدل می‌باشد.

جدول ۳: نتایج حاصل از برآورد مدل برای کشورهای با درجه توسعه یافتگی متوسط مایل به پایین

R ²	Crl*	Rul*	Reg*	Gov*	Pol*	Voi*	عرض از مبدا*
۰/۹۹۷	۰/۶۴۸ (۲۱/۷۵۳)	-۰/۱۲۷ (-۵/۴۴۷)	۰/۴۱۴ (۳۱/۴۱۶)	۰/۳۷۵ (۲۷/۵۳۴)	-۰/۲۵۳ (-۳۵/۴۶۸)	۰/۳۷۲ (۲۸/۸۲۷)	۳/۶۱۲ (۴۴۰/۳۵۹)

* مقادیر داخل پرانتز آماره t را نشان می‌دهند.

1. Pooled
2. Fixed Effect Method

قدرت توضیح‌دهندگی مدل ۰/۹۹۷ بوده و دوربین‌واتسون آن ۲/۱۱۷ است که نشان‌دهنده عدم همبستگی متغیرهای توضیحی می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس برآوردهای حاصل از مدل می‌توان نتایجی به شرح زیر ارائه کرد: آنچه می‌توان به‌عنوان نتیجه‌گیری از برازش الگوی رگرسیونی گروه‌های مختلف کشورها ارائه کرد این است که حکمرانی خوب در هر دو گروه باعث کاهش فساد شده است، یعنی با توجه به بزرگ‌تر بودن آماره F از آماره جدول برای هر ۲ معادله برازش شده، فرضیه اصلی پژوهش تحت عنوان «حکمرانی خوب موجب کاهش سطح فساد در کشور می‌گردد»، ثابت شده است. تأثیر مولفه‌های حکمرانی خوب در کشورهای گوناگون این دو گروه در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول ۴: نتایج فرضیه‌های پژوهش

گروه کشورهای با سطح توسعه‌یافتگی متوسط مایل به بالا	
حق اظهارنظر و پاسخگویی	از ۱۲ کشور این گروه در دو مورد فرضیه رد، در سه مورد فرضیه ثابت و در سایر کشورها این مولفه فاقد اعتبار آماری گشت.
ثبات سیاسی	در سه مورد فرضیه رد و در بقیه کشورها این مولفه فاقد اعتبار آماری است.
اثربخشی دولت	در یک مورد فرضیه رد، در یک مورد فرضیه تأیید و در سایر کشورها فاقد اعتبار آماری است.
کیفیت تنظیم قوانین	در ۴ مورد فرضیه رد، در دو مورد فرضیه تأیید و در سایر موارد این مولفه فاقد اعتبار آماری است.
حاکمیت قانون	در همه کشورها فرضیه تأیید شده است.
کنترل فساد	در یک مورد فرضیه رد، در دو مورد فرضیه تأیید و در سایر موارد آماره این مولفه فاقد اعتبار آماری است.
گروه کشورهای با سطح توسعه‌یافتگی متوسط مایل به پایین	
حق اظهارنظر و پاسخگویی	در همه ۱۲ کشور این گروه، فرضیه این مولفه رد شده است.
ثبات سیاسی	در همه کشورهای این گروه فرضیه این مولفه رد شده است.
اثربخشی دولت	فرضیه این مولفه در تمامی کشورهای این گروه تأیید شده است.
کیفیت تنظیم قوانین	فرضیه این مولفه در تمامی کشورها رد شده است.
حاکمیت قانون	فرضیه این مولفه در تمامی کشورهای این گروه تأیید شده است.
کنترل فساد	فرضیه مربوط به این مولفه در تمامی کشورهای این گروه رد شده است.

نکته مهم آن است که از شش پارامتر مهم حکمرانی خوب شامل پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، قوانین و مقررات اضافی، حاکمیت قانون و کنترل فساد، تنها مولفه‌ای که در تمامی کشورها اثر معنی‌دار بر کاهش سطح فساد داشته است، حاکمیت قانون بوده و فرضیه مربوط به این مولفه مبنی بر «حاکمیت قانون با سطح فساد رابطه عکس دارد»، در همه کشورهای این دو گروه تأیید شده است. سایر مولفه‌ها در کشورهای گوناگون نتایج متفاوتی را نشان داده‌اند. این امر حاکی از ضعف در ماهیت واقعی این مولفه‌ها و اثربخشی آن‌ها در کشورهای گوناگون است. بدین ترتیب علی‌رغم نتیجه کلی، اثر وضعیت حکمرانی خوب بر فساد توسط تقویت مولفه‌های شش‌گانه حکمرانی حاصل می‌گردد، اما تاثیر عملی مولفه‌ها بر سطح فساد به کیفیت آن‌ها و شرایط خاص کشورها باز می‌گردد و ناکارآمدی سیاست‌ها، وجود مشکلات کیفی در اجرای سیاست‌ها، شکل‌گیری ناقص نهادها، پایین بودن شاخص‌های توسعه‌یافتگی، وضعیت محیط قانونی و رعایت حقوق بشر که خود زمینه‌ساز گسترش فساد و بی‌اثر ساختن سیاست‌های کنترل فساد است، شاهد بی‌اثری برخی از مولفه‌های حکمرانی خوب بر سطح فساد در کشورها خواهد بود. بدیهی است با ارتقای واقعی و کیفی مولفه‌های حکمرانی خوب به صورت مستقیم و غیرمستقیم کاهش سطح فساد رخ خواهد داد.

پیشنهادها

اگرچه در این مقاله هدف ارایه راه‌کارهایی جهت مبارزه با فساد نبوده، لیکن پیشنهادهایی به شرح زیر ارایه می‌شود:

- فرهنگ‌سازی مبارزه با فساد در کشورها از طریق رسانه‌های عمومی و آموزش و پرورش؛
- تشویق جامعه مدنی و افزایش آزادی‌های شخصی و حقوقی در جهت تعامل بیشتر با دولت و ایجاد فضای سالم اظهارنظر که خود باعث پاسخگویی دولت و سایر نهادهای حکمرانی می‌گردد، زیرا در صورتی حکمرانان پاسخگو خواهند بود که جامعه مدنی این انتظار را از آنان داشته باشد و مردم قدرت، آزادی و توانایی لازم برای بیان دیدگاه‌ها و نظرهای خود را داشته باشند؛
- افزایش نهادهای بازرسی و نظارت بر چگونگی اعمال قانون در کشور جهت کاهش فساد در حکومت (شامل نهادهای حکمرانی: دولت، قوه قضاییه و مجلس)، نهادهای وابسته دولتی و خصوصی و افزایش حاکمیت قانون.

همچنین پیشنهادهای آتی زیر برای پژوهشگران دیگر ارایه می‌شود:

- واکاوی ریشه‌های فساد در کشورهای وابسته به درآمد نفتی؛

- امکان‌سنجی کاهش فساد در کشورها پس از تحقق نسبی عوامل حکمرانی خوب.

محدودیت‌های پژوهش

از بدو ورود مباحث فساد در ادبیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همواره مراکز بین‌المللی، موسسه‌های خصوصی و نهادهای حکومتی کشورهای مختلف در پی ارائه راه‌کارهایی جهت مبارزه با این معضل بوده‌اند. به گونه‌ای که کنوانسیون‌های متعددی در کشورهای مختلف با رویکردهای متفاوتی به این موضوع پرداخته‌اند. به هر روی، مقوله فساد در زمره موضوع‌های هنجاری یا ارزشی قرار می‌گیرد و به همین دلیل تعریف و اجماع فراگیر و مورد پذیرش تمامی کشورها از فساد و مولفه‌های آن وجود ندارد. با این همه در یک مقایسه بین کشوری و مطالعه تطبیقی، چاره‌ای جز پذیرش رویکردهای مرسوم در اندازه‌گیری شاخص فساد نیست، اما در مطالعه درون کشوری می‌توان به اجزا و مولفه‌های دیگر نیز توجه نمود.

منابع

الف) فارسی

- برادران شرکاء، حمیدرضا و ملک‌الساداتی، سعید. (۱۳۸۶). حکمرانی خوب، کلید توسعه آسیای جنوب غربی. راهبردها، جلد ویژه بررسی‌های اقتصادی، شماره ۴۶، صفحات ۳۸۴-۲۵۹.
- جاسبی، جواد و نفری، ندا. (۱۳۸۸). طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم فازی. فصلنامه علوم مدیریت ایران، دوره ۴، شماره ۱۶، صفحات ۱۱۹-۸۵.
- حیبی، نادر. (۱۳۷۵). فساد اداری (عوامل موثر و روش‌های مبارزه). تهران: انتشارات واتی. صفحه ۱۴.
- حسین‌زاده‌بحرینی، محمدحسین. (۱۳۸۳). عوامل موثر بر امنیت سرمایه‌گذاران در ایران. جستارهای اقتصادی، جلد ۲، شماره ۲، صفحه ۱۴۶.
- حسینی، محسن. (۱۳۸۵). فساد و آزادسازی اقتصادی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران. صفحات ۳۷-۲۴.
- حقانی، فتح‌الله. (۱۳۷۹). بررسی علل اقتصادی فساد مالی در ایران. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته علوم اقتصادی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران. صفحات ۱۲-۱۱.
- دوهان، یاکوب. (۱۳۷۶). بی‌ثباتی سیاسی، آزادی و رشد اقتصادی، شواهدی دیگر. مترجم محمد زاهدی. برنامه و بودجه، جلد ۴، شماره ۲۲ و ۲۳، صفحات ۷۹-۷۸.
- زارع، حسن. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین فساد مالی و اداری با میزان سرمایه‌گذاری. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی. صفحات ۱۵-۷.
- زیادلو، غلام‌رضا. (۱۳۸۴). بررسی عوامل موثر بر بروز فساد اداری. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته مدیریت،

- دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات. صفحات ۱۵-۳.
- صادقی، حسین، کرمانی صباغ، وحید و شهری، شقایق. (۱۳۸۷). بررسی اثرات تمرکززدایی مالی بر کنترل فساد. *تحقیقات اقتصادی*، جلد ۴، شماره ۸۵، صفحات ۲۳۶-۲۰۷.
- صباغ کرمانی، مجید، و باسزا، مهدی. (۱۳۸۸). نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی. *تحقیقات اقتصادی*، جلد ۴، شماره ۸۶، صفحات ۲۳۶-۲۰۷.
- عرب‌مازازی، علی. (۱۳۸۰). اقتصاد سیاه در ایران. *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، جلد ۲، شماره ۶۳، صفحات ۶۰-۳.
- عیسی‌زاده، سعید و احمدزاده، اکبر. (۱۳۸۸). بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، جلد ۳، شماره ۴۰، صفحات ۲۸-۱.
- قربانی، عادل و صدیق محمدی، میرفرهاد. (۱۳۸۷). راه‌کارهای مقابله با فساد اقتصادی در ایران با تأکید بر تجربیات کشورهای موفق. تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد. صفحات ۴۴-۷.
- مقداری، منصوره. (۱۳۸۶). بررسی اثر کیفیت حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ایران (طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۶۳). پایان‌نامه رشته اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی تهران. صفحه ۴۶.
- میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر. (۱۳۸۳). حکمرانی خوب بنیان توسعه. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. صفحه ۲۵۲.
- میرزاابراهیمی، رضا. (۱۳۸۵). راه‌کارهای اعمال اصلاحات از دیدگاه استیگلیتز. *اقتصاد و جامعه*، جلد ۱، شماره ۷، صفحه ۵۴.

ب) انگلیسی

- Ahrend, R. (2002). *Press freedom, Human capital and corruption*. DELTA working paper. p. 11.
- Billger, Sh. M., & Goel, R. K. (2009). Do existing corruption levels matter in controlling corruption Cross-country regression estimates. *Journal of Development Economics*, 90(2), 299-305.
- Corruption Perception Index. (2011). *Corruption perception index*. Retrieved from <http://www.transparency.org/>
- Evrensel, A. (2010). Corruption, growth & growth volatility. *International Review of Economics & Finance*, 19(3), 501-514.
- Human Development Index. (2007). *Human development index*. Retrieved from <http://www.UNDP.com/>
- Kaufman, D., Aart, K., & Massimo, M. (2009). *Governance matters VIII: Governance indicators for 1996-2008*. The Policy Research, Working Paper, No. 9978. World Bank.
- Lewis, M. (2006). *Governance and corruption in public health care systems*.

- Center for Global Development, working paper, No. 78. pp. 9-12.
- Lewis, M., & Gunila, P. (2009). *Governance in health care delivery: Raising performance*. World Bank policy, Research Paper, No. WPS 5074. pp. 1-2.
- Montinola, G. R., & Jackman, R. W. (2002). Sources of corruption: A cross country study. *British Journal of political Science, Cambridge University Press*, 32(1), 147-170.
- Overseas Development Institute. (2007). *Voice for accountability: Citizens, the state and realistic governance*. pp. 1-2. Retrieved from <http://www.odi.org.uk/>
- Sewornu, R. E. (2010). The role of good governance in improving woman's access right to land. *International Journal of Sustainable Development*, 1(5), 37-53.
- Transparency International Organization. (2011). *Corruption perception index*. Retrieved from <http://www.transparency.org/>
- World Bank. (2002). *World development report: Building institutions for Markets*. UK: Oxford University Press. p. 303.

